

مطلق شکننده

اسلاوی ژیتک

تیرجمه‌ی کیوان آذری

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسنامه: ژیزک، اسلاوی، ۱۹۴۹-م Žižek, Slavoj
عنوان و نام پدیدآور: مطلق شکننده/اسلاوی ژیزک؛ ترجمه‌ی کیوان آذری

مشخصات نشر: اردبیل، روشنگاه، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۱۹۶ص

شابک: ۸-۳-۹۸۰۰۶-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: 2000: The Fragile Absolute: Or, Why Is the Christian Legacy Worth Fighting For?

موضوع: مسیحیت - دفاعیه‌ها

Apologetics موضوع:

موضوع: کمونیسم

Communism موضوع:

موضوع: فراتجدد

Postmodernism موضوع:

موضوع: کمونیسم و مسیحیت

Communism and Christianity موضوع:

شناسه افزوده: آذری، کیوان، ۱۳۶۴، مترجم

رده‌بندی کنگره: BT۱۱۰۲

رده‌بندی دیویی: ۲۳۰

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۲۳۹۳۶

www.ketab.ir

مطلق شکننده

اسلاوی ژیزک

کیوان آذری

چاپ اول ۱۴۰۰

شمارگان: صد نسخه

چاپ و صحافی: روز

قیمت: ۵۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۸۰۰۶-۸-۳



نشر روشنگاه

فهرست

- پیشگفتار: برای هیچ کس و هیچ چیز..... ۷
۱. دست کشیدن از شبیح بالکان..... ۹
۲. شبیح سرمایه..... ۱۹
۳. کوک به مثابه ابروی پتی a..... ۲۹
۴. از تراژیک تا موک کمیک..... ۴۹
۵. قربانی ها، همه جا قربانی ها..... ۶۵
۶. واقعی فانتازماتیک..... ۷۵
۷. چرا حقیقت هیولوار است؟..... ۸۱
۸. درباره ی سنگ ها، سوسمارها و انسان ها..... ۹۵
۹. ساختار و رخدادش..... ۱۰۵
۱۰. از ده فرمان تا حقوق بشر..... ۱۲۱
۱۱. اصل خیرخواهی..... ۱۲۷
۱۲. جداکنندگی مسیح..... ۱۳۷
۱۳. «تو باید، برای اینکه تو می توانی!»..... ۱۴۵
۱۴. از دانش تا حقیقت ... و برعکس..... ۱۵۱
۱۵. فرار..... ۱۵۹
- یادداشت ها..... ۱۷۵

پیشگفتار: برای هیچ کس و هیچ چیز

یکی از رقت‌انگیزترین جنبه‌های عصر پست‌مدرن و «اندیشه‌ی» کذایی‌اش بازگشت بُعد دینی در تمام کسوت‌های گوناگونش است: از بنیادگرایی‌های مسیحی و غیره گرفته تا انبوهی از معنویت‌گرایی‌های نیو ایج^۱، حتی حساسیت دینی فزاینده درون خود واسازی‌گرایی^۲ (اندیشه‌ی به اصطلاح «پساسکولار»). یک مارکسیست، بنا بر تعریف یک «ماتریالیست مبارز» (لنین)، چگونه باید با این یورش همه‌جانبه‌ی تاریک‌اندیشی^۳ مقابله کند؟ به نظر می‌رسد پاسخ بدیهی نه تنها حمله‌ی بی‌رحمانه به این گرایش‌ها است بلکه باید بدون هیچ‌گونه گذشتی بقایای میراث دینی درون خود مارکسیسم را نیز تقبیح کرد. در برابر تهمت لیبرال قدیمی‌ای که شباهت میان برداشت «مسیحانیک»^۴ مارکسیستی و مسیحی از تاریخ به مثابه فرایند رستگاری نهایی مومنان درون مایه‌ی بدنام «احزاب - کمونیست - فرقه‌های - دینی - سکولار شده - هستند» را مقایسه می‌کند، آیا نباید روی این امر تأکید کنیم که چگونه این قضیه فقط در مورد مارکسیسم «دگماتیک» متحجر صادق است نه در مورد هسته‌ی رهایی‌بخش اصیل مارکسیسم؟ به پیروی از کتاب راهگشای آلن بدیو درباره‌ی سنت پُل [۱]، اینجا فرض ما کاملاً برعکس است: به جای اتخاذ اینگونه موضع تدافعی که به دشمن اجازه می‌دهد منطقه‌ی مبارزه را تعیین کند، کاری که باید انجام دهیم وارونه کردن استراتژی است، وارونه کردن استراتژی از طریق کاملاً صحه گذاشتن بر اتهام وارده: بله شجره‌ی خانوادگی مستقیمی از مسیحیت تا مارکسیسم وجود دارد. بله مسیحیت و مارکسیسم باید در یک سنگر

۱. New Age، نام جنبشی معنوی در غرب که در نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفته است، جنبش «عصر جدید» معجونی از سنت‌های متافیزیکی شرقی و غربی، آموزه‌های معنوی باستانی، روانشناسی‌های انگیزشی، اسطوره‌شناسی، طالع‌بینی نجومی و ... است که می‌خواهد معنویت بی‌حد و محدودیت‌ها و احکام دست و پا گیر بیافریند، معنویت که جامع الشمول و تکررگرا باشد. این جنبش در غرب عامه‌پسند است و طرفداران زیادی دارد.

2. deconstructionism
3. obscurantism
4. messianic

علیه یورش معنویت‌گرایی‌های جدید مبارزه کنند، میراث مسیحی اصیل بسیار ارزشمندتر از آن است که به دست افکار عجیب و غریب بنیادگرایانه سپرده شود.

با این‌همه حتی کسانی که این شجره‌ی خانوادگی مستقیم از مسیحیت تا مارکسیسم را تصدیق می‌کنند معمولاً پیروان «اصیل» اولیه‌ی مسیح را در برابر مؤسسه‌سازی کلیسا فetišیزه^۱ می‌کنند، مؤسسه‌سازی‌ای که مظهر آن نام سنت پُل است؛ بلکه با «پیام اصیل اولیه‌ی» مسیح، نه با تبدیل کردن این پیام به قالب آموزه‌هایی که به کلیسا به‌عنوان مؤسسه‌ای اجتماعی مشروعیت می‌بخشد. کاری که این پیروان شعار «بله با مسیح، نه با سنت پُل» (سنت پُل یا همان‌طور که نیچه ادعا کرد، کسی که عملاً مسیحیت را اختراع کرده است) انجام می‌دهند دقیقاً مشابه موضع آن «مارکسیست‌های انسان‌گرای^۲» اواسط قرن بیستم است که شعارشان این بود «بله با مارکس اصیل اولیه، نه با تحجّر لنینیستی‌اش». در هر دو مورد باید تأکید کرد که چنین «دفاعی از امر اصیل» جفاکارانه‌ترین سبک خیانت به امر اصیل است؛ هیچ مسیحی و رای سنت پُل وجود نداشت. دقیقاً به همان شکل، هیچ «مارکس‌اصیلی» وجود ندارد که بتوان مستقیماً، با دورزدن لنین، به دست آورد.